

# عفو و شفقت در مقابل ظلم و تعدی معاندين

حضرت بهاء الله، حضرت عبدالبهاء

اصلى فارسى



لوح رقم (50) امر و خلق - جلد 3

## ۵۰ - عفو و شفقت در مقابل ظلم و تعدی معاندين

از حضرت بهاء الله است قوله: اذا عوقبتم فعليكم بولاية الامور و ملاذ الجمهور و ان اهملتم فوضوا الامور الى الرب الغيور هذه سمة المخلصين و صفة الموقنين .

و در كتاب اقدس است قوله تعالى: لا تعترضوا على من اعترض عليكم ذروه في حوضه مقبلين الى الفرد العليم و من اغتاض عليكم قابلوه بالرفق و الذى زجركم لا تزجروه و دعوه بنفسه و توكلوا على الله المنتقم العادل القدير

و قوله الفضل: انا عفونا عن الذين اخذهم الاضطراب اذ نعب الغراب و اخذت الزلازل احباء الله رب الكرسى الرفيع . (آنانكه در فتنه سال ۱۳۰۰ مضطرب شدند)

و قوله الحق: لا تعترضوا على العباد ان وجدتم من احد رائحة البغضاء ذروه في حوضه متشبثين باذيال رداء عناية ربكم فائق الاصباح لا تعتدوا على من اعتدى عليكم ليظهر فضلكم و عنايتكم بين العباد كذلك نزل من قبل من سماء مشية ربنا المنزل القديم .

و در كتاب بديع است . قوله الابدع: تالله الحق لو انتم تظلمون احب عندى من ان تظلموا على احد و هذا من سببى و احسن خصالى لو انتم من الموقنين ان اصبروا يا احبائى فى البأساء و الصراء و ان يظلمكم من ظالم فارجعوا حكمه الى الله الذى بيده ملكوت كل شئ و انه هو المقتدر على ما يشاء و هو اشد المنتقمين .



ORIGINAL

و قوله الاعلی : ای ذبیح نفس ظلم محدث ظهور سطوت و قهر بوده اگر به بصر حقیقی ملاحظه نمائید جمیع ناس مستحق عذابند چه که به ظلم مشغولند الا من شاء ربک بمعذک باسمه الرحمن الرحیم ناظر و دوست نداشته و ندارد احدی بر نفسی تعرض نماید ظالمان را به خدا واگذارند و در شداوند صابر باشند این است حق و شأن اهل حق و ما بعد الحق الا الضلال .

و قوله الافصح الافصح : در باره غافلین و طاغین دعا نمائید و از حق جل جلاله هدایت ایشان را بخواهید و اگر قابل هدایت نباشند آنه هو الآخذ الشدید اخذ مینماید چنانچه نمود در این ظهور مهلت قلیل بوده و هست .

و قوله الاعظم الاقوم : و نفسه الحق اگر قدرت ظاهره که فی الحقیقه نزد حق مقامی نداشته و ندارد بتمامها ظاهر شود و مهیا در مقابل و اراده سوء قصد از مشاهده گردد البته متعرض او نشویم و او را باو واگذاریم . و در اثری است : در اکثر الواح میفرمایند اگر ظالمی بر شما تعرض نماید بجل صبر تمسک نمائید اگر اذیت کند ازو بگذرید بشائی نزاع و جدال و قتل و غارت و تاراج را نهی فرمودیم که اکثری از عباد مطلع و شاهد و گواه اند .

و از حضرت عبدالبهاء است قوله العزیز : شما بالعکس معامله نمائید یعنی زخم ستمکاران را مرهم نهید و درد ظالمان را درمان شوید اگر زهر دهند شهد دهید اگر شمشیر زنند شکر و شیر بخشید اگر اهانت کنند اعانت نمائید اگر لعنت نمائید رحمت جوئید در نهایت مهربانی قیام نمائید و به اخلاق رحمانی معامله کنید و ابداً بکلمه رکیکی در حقشان زبان نیالائید .

و قوله الحنون : احبای الهی باید بدخواه را خیر خواه دانند و اهل شقاق را اهل وفاق شمرند بعید را قریب بینند و دور را نزدیک شمرند یعنی بدشمن نوعی رفتار کنند که سزاوار دوستان است به جفاکار چنان معامله نمائید که لایق یار خوش رفتار .

و در مفاوضات است قوله العزیز : عقوبات جزائیّه بر دو قسم است یک قسم انتقام است یک قسم قصاص است . . . و این قصاص مدافعه از حقوق بشر است نه انتقام زیرا انتقام تشفی صدر است که از مقابله بالمثل حاصل گردد و این جائز نه زیرا بشر حق انتقام ندارد . . . شخص مظلوم متعدی علیه حق انتقام ندارد بلکه عفو و سماح لازم و این سزاوار عالم انسان است اما هیئت اجتماعیّه باید قاتل و ضارب را قصاص نماید تا ردع و منع حاصل گردد که دیگران متجاسر بجرم نشوند . . . اگر نفسی به نفسی ظلمی کند ستمی کند تعدی کند و آن شخص مقابله بالمثل نماید این انتقام است و این مذموم است زیرا زید اگر پسر عمرو را بکشد عمرو حق ندارد که پسر زید را بکشد اگر بکشد انتقام است این بسیار مذموم است بلکه باید بالعکس مقابله کند عفو کند بلکه اگر ممکن شود اعانتی به متعدی نماید این نوع سزاوار انسان است به جهت اینکه از برای او از انتقام چه ثمری

حاصل هر دو عمل یکی است اگر مذموم است هر دو مذموم است نهایت این است که این مقدم بود آن مؤخر اما هیئت اجتماعی حق محافظه و حق مدافعه دارد .

و نیز میفرمایند قوله تعالی : ای منادی پیمان عبدالبهاء را در تحریر و تقریر تقصیر واقع و مانع کثیر حاصل البته یاران معذور دارند و به قبول عذر مسرور نمایند این را بدان که دقیقه از یادت فراغت ندارم و همواره تأیید و توفیق جویم و بدرگاه احدیت لابه و انابه و زاری نمایم و رجای بی منتها از ملکوت ابری چنین است که بسبب حسن سلوک و صداقت بسریر ملوک آن سر زمین بهشت برین گردد و آن اقلیم جنت النعم شود ما را با کسی نزاع و جدالی نه و کفاح و نزالی نیست تیغ و سلاخی جز صلاح قلوب و نجات ارواح نجوئیم جمیع را خیر خواهیم و از برای کلّ فوز ابدی جوئیم و آنچه سبب نورانیت عالم انسانی گوئیم باری اهمّ امور در ظهور مکلمّ طور اینست که یاران باید به موجب نصایح و وصایای الهی جمیع اقوام و طوائف عالم را مهربانی نمایند بلکه جانفشانی کنند تا این ظلمات ضدیت و بغضاء بنورانیت محبت رحمانی تبدیل گردد لهذا هر کسی بشما ظلم و جفا کند البته مهر و وفا نمائید اذیت نماید رعایت کنید بدگوئی کند ستایش نمائید تکفیر کند تکریم نمائید طعن و لعن نماید نهایت ملاطفت اجرا دارید و جمیع دوستان الهی را این وصایا و نصایح تبلیغ کنید جناب آقا علی را در این طوفان بلا به صفحات مصر فرستادیم و سفارش ایشان مرقوم گشت ولی در آنجا استقرار نتوانست مراجعت به طهران نمود برات حواله از جناب آقا علی که جوف است تأدیه گشت و علیک التّحیة و الثّناء ع ع